

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

شعر: لیلا معصومی نابینی

انتخاب و ارسال: فیروزه وفا

سه شنبه ۱۴ جولای ۲۰۲۶

تاریخ میخکوب شد اینجا

و ناگهان، سر هر سفره ای یک کم شد
و پای سفره، خوراک تمام ما غم شد
چراغ های اتاق یکی که شد خاموش
تمام خانه، سیه پوش شد، محرم شد
یکی که از همه ما پرنده تر بود، پر زد
یکی که مثل گلی پاک بود، **پرپر شد**
کمد که باز شد از بوی عطر معصومش
حیاط مرده پر از رنگ و بوی مریم شد
و کل کشید زنی در سماع خون بارش
صدای مویه و سنج و دمام درهم شد
نگاه کرد به **پیراهنی که خونی بود**
فدای قدت و پیراهنی که پرچم شد
بین! **جوان من** است این، همان که از خوش
بهشت امن شما، گور شد، جهنم شد
تمام شهر سر خاک آن جوان رقصید
تمام شهر به خون خواهی اش مصمم شد

